



روزنامه مردم، مال اول، شماره ۱۰، چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸
تلفن ۱۵۰۰۰۰۰۰

انجمن هاوشوراها ایالتی و شهری گامی بزرگ بسوی دموکراسی

آیت الله طالقانی با استناد به فرمان امام خمینی اطلاع داد که در سرتاسر کشور شوراها و انجمن‌های ایالتی و ولایتی تشکیل خواهند شد. او گفت که فرمان امام اکید است و هیچ‌کس از جمله دولت نمی‌تواند جلو اجرای آن را بگیرد. تشکیل شوراها و انجمن‌ها همواره از خواست‌های حزب توده ایران بوده و در برنامه حزب نیز انجمن‌های استان، شهرستان، بخش و ده به‌صورت مقامات حاکم محلی شناخته شده‌اند. شازده‌محین پنجم کمیته مرکزی حزب توده ایران در برنامه پیشنهادی که برای تشکیل جبهه متحد خلق خطاب به همه نیروهای دموکراتیک و ملی منتشر کرده درباره انجمن‌ها و شوراها متذکر شده است:

در جمهوری نوپدید ایران شرکت فعال توده‌های آیدود مردم در اداره امور کشور باید از طریق شوراها ایالتی، شهرستان، بخش و ده تأمین گردد. این شوراها باید به‌صورت از گان‌های امانت قدرت محلی با اختیارات و وظایف مشخصی عمل کنند.

مردم فرمان امام خمینی برای تشکیل این شوراها غیر مستقیم است. ایجاد شوراها در سرتاسر کشور امکان خواهد داد که توده مردم در اداره امور کشور شرکت فعال داشته باشند و دخالت خود را در احوال قدرت حاکم از طریق مجلس ملی، با دخالت در احوال قدرت محلی تکمیل نمایند.

در کشور ما شوراها محلی دو وظیفه متمایز ولی مکمل ایفا خواهند کرد زیرا در بخش‌هایی از کشور ما خلق‌های غیرنوازش زندگی می‌کنند. تشکیل شورا در چنین ایالات و ولایاتی علاوه بر شرکت دادن عمومی مردم در اداره امور کشور، راهی است برای حل مسئله ملی، و درست در زمانی که مسئله ملی در نقاط کشور متناوب حادثه‌سازهای از طرف نیروهای ارضی است، پیدا شدن راه حل درستی برای این مسئله حساس اهمیت دوچند خواهد داد.

شوراها ایالتی و ولایتی و محلی شریک شریک مردم در راه برای اعمال حاکمیت خلق‌ها فراهم آورند و امکان دهند که در چارچوب تکمیل آرزوی کشور، هر خلقی حاکم بر سرکوت خویش باشد.

حزب توده ایران تنها حزب سرتاسر کشور است که از نخستین روز تأسیس خود از حقوق خلق‌های تحت ستم ایران دفاع کرده و برای رفع این ستم‌گری زحمتهای بسیار کرده است. ما همیشه گفته‌ایم که اعمال ستم بر خلق‌ها زمینه اعمال ستم بر تمام مردم ایران است. زورگویی بر خلق‌ها وسیله‌ای است در دست ارتجاع برای ایجاد محیط غیر دموکراتیک در سرتاسر کشور و لذا دفاع از حقوق خلق‌های تحت ستم تنها راه دموکراتیزه کردن حیات سیاسی سرتاسر کشور است.

رفع دیکتاتوری و ضد ملی پهلوی مدت پنجاه سال به‌جای حل این مسئله تمام بقیه در صفحه ۶

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران

کارگران و زحمت‌کشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را صمیمانه به شما شادباش می‌گوید. پس از ۲۵ سال زور و اختناق رژیم پهلوی، برای نخستین بار جشن اول ماه مه در آزادی برگزار می‌شود. و کارگران و زحمت‌کشان ایران می‌توانند به‌خود بیاندازند که در بهشت آوردن این آزادی نقش قطع نداشته‌اند.

اطلاعیه

حزب توده ایران واقعه ترور سرلشکر فرنی را به‌صورت مستقیم می‌کند و اعتقاد دارد که اقدامات از این نوع چیزی نیست جز توطئه بازمانده‌های ساواک و عوامل امپریالیسم.

این واقعه صحت هدف‌های حزب ما را در زمینه سطر توطئه‌های ساواک و عوامل ضد انقلاب نشان می‌دهد. بار دیگر رژیم مبارزه شدید علیه نیروهای سپاه ضدانقلاب را می‌گوید. ما چنان از دولت توطئه انقلابی طلب می‌کنیم که عاملان این جنایت را به‌صورت مجازات کرده ریشه‌های توطئه را که دست جنایت‌کار امپریالیسم در آن نمایان است قطع کند.

دیروز کارگران و زحمت‌کشان ایران با شرکت فعال در مبارزات پیرامون مسائل سیاسی تا حد اعصاب‌های همگانی سیاسی، که با فداکاری‌ها و قربانی‌های فراوان همراه بود، سهم شایسته خود را در سرنگونی رژیم پهلوی ادا کردند و رسالت تاریخی خود را در این مرحله از نبرد نیز به‌انجام رساندند. در این نخستین بهار آزادی، در برابر طبقه کارگر پیشاهنگ و قهرمان ایران سر تعظیم فرود می‌آوریم و خاطره تابان شهیدان راه طبقه کارگر را گرامی می‌داریم.

آنکه پس از پیروزی نخستین مرحله انقلاب ضد امپریالیسم و دموکراتیک مردم ایران، کارگران و زحمت‌کشان ایران در برابر وظایف جدیدی قرار گرفته‌اند. این وظایف جدید ناشی از وضع نوینی است که در کشور پدید آمده، به‌سبب امپریالیسم در مینمادن شرایط سنگینی وارد آمده، ولی هنوز نفوذ امپریالیسم در تمام شئون زندگی ما قطع نشده است. رژیم پهلوی سرنگون شده، ولی درهم شکسته است. ارباب رژیم پهلوی به‌صورت آشفتگی اقتصادی، تورم پولی، گرانی، بی‌کاری و بی‌خانمانی بروز کرده است. ضد انقلاب با اختلال، تفرقه‌افکنی، تحریک و توطئه و با استفاده از تمام پایگاه‌ها و امکاناتی که هنوز در اختیار دارد در تلاش آن‌است که سیر تکاملی انقلاب را متوقف سازد و در صورت امکان آن را به‌عقب برگرداند. در همین زمینه ضد انقلاب با تظاهر سالوسانه به‌دفاع از مطالبات حق کارگران سعی در ایجاد محیط مساعد دارد و خوشبینانه کارگران ایران متوجه این تحریکات هستند. در چنین شرایطی، کارگران و زحمت‌کشان ایران وظیفه دارند که برای نیل به‌هدف‌های زیرین مبارزه را ادامه دهند:

- ریشه‌های ساختن تسلط امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکا، در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، به‌ویژه از راه نفوذ قراردادهای اسارت‌آور با کشورهای امپریالیستی و ملی‌گردن مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی امپریالیستی؛
- درهم‌شکنیدن رژیم سرنگون شده به‌ویژه از راه پاکسازی دستگاه دولتی، ارتش، شهربانی و ژاندارمری از عوامل رژیم سرنگون شده و عیب‌های ساواک و تقویت، محاکمه و مجازات خائنان به‌منافع ملی و غارت‌گران ثروت‌های ملی؛
- تأمین بدون قید و شرط حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به‌ویژه از راه تأمین آزادی بیان، عقیده، قلب، اجتماعات، احزاب و سندیکاهای و تأمین حقوق ملی خلق‌های ایران؛
- سلب‌سازی اقتصاد ملی به‌ویژه از راه ملی‌گردن مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیسم و دار و دسته غارت‌گر رژیم پهلوی و تنظیم برنامه صنعتی کردن به‌منظور تأمین استقلال اقتصادی کشور و رفاه عمومی؛
- بهبود زندگی کارگران و زحمت‌کشان به‌ویژه از راه تعیین حداقل دستمزد متناسب با حد اقل هزینه زندگی، تأمین مسکن ارزان و مناسب، بهداشت و آموزش رایگان؛

بقیه در صفحه ۶

اطلاعیه

حزب توده ایران واقعه ترور سرلشکر فرنی را به‌صورت مستقیم می‌کند و اعتقاد دارد که اقدامات از این نوع چیزی نیست جز توطئه بازمانده‌های ساواک و عوامل امپریالیسم.

این واقعه صحت هدف‌های حزب ما را در زمینه سطر توطئه‌های ساواک و عوامل ضد انقلاب نشان می‌دهد. بار دیگر رژیم مبارزه شدید علیه نیروهای سپاه ضدانقلاب را می‌گوید. ما چنان از دولت توطئه انقلابی طلب می‌کنیم که عاملان این جنایت را به‌صورت مجازات کرده ریشه‌های توطئه را که دست جنایت‌کار امپریالیسم در آن نمایان است قطع کند.

دیروز کارگران و زحمت‌کشان ایران با شرکت فعال در مبارزات پیرامون مسائل سیاسی تا حد اعصاب‌های همگانی سیاسی، که با فداکاری‌ها و قربانی‌های فراوان همراه بود، سهم شایسته خود را در سرنگونی رژیم پهلوی ادا کردند و رسالت تاریخی خود را در این مرحله از نبرد نیز به‌انجام رساندند. در این نخستین بهار آزادی، در برابر طبقه کارگر پیشاهنگ و قهرمان ایران سر تعظیم فرود می‌آوریم و خاطره تابان شهیدان راه طبقه کارگر را گرامی می‌داریم.

آنکه پس از پیروزی نخستین مرحله انقلاب ضد امپریالیسم و دموکراتیک مردم ایران، کارگران و زحمت‌کشان ایران در برابر وظایف جدیدی قرار گرفته‌اند. این وظایف جدید ناشی از وضع نوینی است که در کشور پدید آمده، به‌سبب امپریالیسم در مینمادن شرایط سنگینی وارد آمده، ولی هنوز نفوذ امپریالیسم در تمام شئون زندگی ما قطع نشده است. رژیم پهلوی سرنگون شده، ولی درهم شکسته است. ارباب رژیم پهلوی به‌صورت آشفتگی اقتصادی، تورم پولی، گرانی، بی‌کاری و بی‌خانمانی بروز کرده است. ضد انقلاب با اختلال، تفرقه‌افکنی، تحریک و توطئه و با استفاده از تمام پایگاه‌ها و امکاناتی که هنوز در اختیار دارد در تلاش آن‌است که سیر تکاملی انقلاب را متوقف سازد و در صورت امکان آن را به‌عقب برگرداند. در همین زمینه ضد انقلاب با تظاهر سالوسانه به‌دفاع از مطالبات حق کارگران سعی در ایجاد محیط مساعد دارد و خوشبینانه کارگران ایران متوجه این تحریکات هستند. در چنین شرایطی، کارگران و زحمت‌کشان ایران وظیفه دارند که برای نیل به‌هدف‌های زیرین مبارزه را ادامه دهند:

- ریشه‌های ساختن تسلط امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکا، در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، به‌ویژه از راه نفوذ قراردادهای اسارت‌آور با کشورهای امپریالیستی و ملی‌گردن مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی امپریالیستی؛
- درهم‌شکنیدن رژیم سرنگون شده به‌ویژه از راه پاکسازی دستگاه دولتی، ارتش، شهربانی و ژاندارمری از عوامل رژیم سرنگون شده و عیب‌های ساواک و تقویت، محاکمه و مجازات خائنان به‌منافع ملی و غارت‌گران ثروت‌های ملی؛
- تأمین بدون قید و شرط حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به‌ویژه از راه تأمین آزادی بیان، عقیده، قلب، اجتماعات، احزاب و سندیکاهای و تأمین حقوق ملی خلق‌های ایران؛
- سلب‌سازی اقتصاد ملی به‌ویژه از راه ملی‌گردن مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیسم و دار و دسته غارت‌گر رژیم پهلوی و تنظیم برنامه صنعتی کردن به‌منظور تأمین استقلال اقتصادی کشور و رفاه عمومی؛
- بهبود زندگی کارگران و زحمت‌کشان به‌ویژه از راه تعیین حداقل دستمزد متناسب با حد اقل هزینه زندگی، تأمین مسکن ارزان و مناسب، بهداشت و آموزش رایگان؛

بقیه در صفحه ۶

مسئله مرکزی روز: شناخت ضدانقلاب و مقابله هشیارانه با آن است

شناخت و مقابله با دشمنان و عناصر ملی و دموکراتیک اقدامات خود را گسترش می‌دهند این اقدامات را با وحدت عمل و هشیاری و واکنش سنجیده عظیم گذاریم.

مردم کشور ما با انجام یک انقلاب بزرگ خلقی، شربت بهیمنی در مواجهه امپریالیسم و چاکران ایرانی‌اش وارد ساخته و حاصل‌های و جواب‌های دور و دراز آن‌ها را در باره همین ما با شکستی که برای آن‌ها نامشروع بود روبه‌رو کردند. این حادثه‌های است داری برد جهانی و تاریخی متضمن پیامدهای بسیار برای مردم ما و مردم منطقه و جهان.

امپریالیست‌ها (و در درجه اول امپریالیست‌های امریکا) در آغاز جنبش انقلابی اخیر، خواستند با در پیش گرفتن سیاست زیادانه «دفعی باز سیاسی»، رژیم دست نشانده شاه سابق را از دست‌برد نجات دهند. مردم ایران با برخورد از کنار این خنده عیان‌گشختند و نبرد را ادامه و گسترش دادند و همچنین توطئه‌های اعلام حکومت نظامی در دوازده شهر و سپس دولت نظامی را از سر زمین گذاشتند.

امپریالیست‌ها در مقابل شمار قاطع آیت‌الله خمینی دادر بران که شاه و خانواده، فاش‌ساز پدید برورد و در ایران جمهوری اسلامی برپا شود به مانور تازه‌ای دست زدند: عمال امپریالیسم مانند شرف امامی و علی امینی و شاپور بختیار شمار «دشمنان» پدید سلطنت کنند، نه حکومت» و ضرورت مراعات باصلاح «هم قانون اساسی» را به میان کشیدند. منافی این چشمه تازه خنده‌گری آقایان نیز روشن بود: شاه می‌بایست سیاست کثافت سرخ کردن موقت در مقابل طوفان را اجرا کند تا پس از فرو نشستن «تب خیانت» (باصلاح محافظ امپریالیستی)، دوباره نقش خائنان سرلان غارت‌گران بین‌المللی و سرچال مردم ایران را تجدید نماید.

بقیه در صفحه ۶

حزب توده ایران پشتیبان خلق قهرمان فلسطین

روز ۳۰ فروردین دیدار دوستانه‌ای بین هیئت نمایندگی حزب توده ایران مرکب از رضا نورالدین کیانوری دبیر اول، کیهان مرکزی و منوچهر بهزادی عضو هیئت اجرایی و دبیر کمیته مرکزی و رفیق هادی‌الحسن نماینده انقلاب فلسطین در ایران، در محل نمایندگی انقلاب فلسطین، صورت گرفت.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران پشتیبانی کامل حزب توده ایران را از پیکار عادلانه خلق قهرمان فلسطین برضد امپریالیسم و صهیونیسم و در راه تشکیل دولت آزاد و مستقل فلسطین ایران دانست. و پیروزی خلق فلسطین را شرط اساسی برای حفظ صلح در خاورمیانه و نزدیک دانست. طرفین اهمیت تاریخی انقلاب ضد

حزب توده ایران قانونی است

حجت‌گشته، آقای امیرنظام سنگدوکی دولت، ملی مساجدهای اظهار داشت که قوانین مربوط به غیرقانونی بودن حزب توده ایران، تا وقتی لغو نشده، باقی‌بمانده خواهد بود. کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله ملی اطلاعیه‌ای این نظر را نادرست دانست و رد کرد، ولی اهمیت موضوع، به‌ویژه از این نظر که چنین موضع‌گیری رسمی می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد، بحث در این باره را همچنان ضروری می‌پندارد.

بقیه در صفحه ۶

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هوشیاران! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مذهبی، فعالیت خلقی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تکمیل دستاوردهای انقلاب و نوازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به‌ظهور مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکارهای اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته هرگز ناگزیر است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به‌پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند به حزب طبقه کارگر ایران باری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلنن آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:

شماره حساب بانکی: ۴۴۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، خاندان‌ساجدین‌سنوی، خیابان شهید دکتر حسین قاضی.

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمت‌کشان

ایران در هفته‌ای که گذشت

آقای هودینگ کارتر «جوک» می‌گوید!

آقای هودینگ کارتر سخنگوی کاخ سفید واشنگتن این هفته یکی از تاریخی‌ترین جملات دیپلماتی را گفت. او با صراحت که در واقع بیشتر به ولایت شیبه بود اعلام داشت که آمریکا در امور داخلی ایران دخالت نکرده و نخواهد کرد. او به اصطلاح آن نگارنده را درباره هتدرهای آیت‌الله خمینی که بارها درباره دخالت‌های آمریکا در جریانات ضد انقلابی اخیر مملکت بر زبان آمده اعلام داشت. تکلیف آقای هودینگ در حالی در روزنامه‌ها شده که سید صدری رئیس خبری سابق و یکی از حیات‌گرایان مهربانی‌ها در دادگاه انقلابی ایران اعلام داشتند. این یکی از صحنه‌ها و هژران خود دخالت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در امور داخلی ایران است که در بوج خود در مقاله‌ای با دیگر اعمال آمریکا در ایران بسیار گواهی است اما از آنجا که هر دو این مطالب در یک شماره روزنامه چاپ شده بود چاپ بود.

ما هم می‌گوییم کمیته‌ها باید بمانند

چنانچه که عده‌ای فرستادند در این هفته بهره‌اندازان تا بلکه با سوء استفاده از حوادث و واقع ناخوش‌آیند مربوط به حضرت آیت‌الله طالقانی کمیته‌های انقلابی را منحل و یا حداقل کارشان را محدود کنند با تکیه بر حق آیت‌الله خمینی و تأیید موکد آیت‌الله طالقانی در این باره که کمیته‌ها باید بمانند اما باید از عناصر ناپاک که آن‌ها نفوذ کرده‌اند تمیز داده شود. اما بارها اعلام داشته‌ام که کمیته‌های انقلاب و پاسداران انقلاب به عنوان میراث مردمی انقلاب می‌باید به کار خود ادامه دهند و هرگونه توطئه‌ای را برای منحل کردن آن‌ها باید خنثی کرد اما همچنان تأکید کرده‌ام که آن‌ها باید با تأسیس کرد. اعلام کرد اداره شهرها توسط شوراهای محلی و شورای شهر و ادامه کار این کمیته‌ها زیر نظر مستقیم این کمیته‌ها که برای مردم انتخاب می‌شوند به عقیده ما نیز یکی از انقلابی‌ترین راه‌های مربوط به سازمان دادن و تمیز کمیته‌های انقلاب و پاسداران انقلاب برای نگهداری و حفظ آن‌ها است. ما آماده هرگونه همکاری در این زمینه هستیم و مستعد هرچه روزی این طرح باید به‌طور اجبار عملی شده و تضمین اطمینان شوراهای محلی در شهرها بعد از انجام انتخابات مربوط به نمایان دادن سازمان‌های کمیته‌ها با کمک مستقیم خود مردم باشد.

چه کمروهای وقت ایران را می‌خواند؟

سخنگوی دولت در این هفته در برابر تعدادی از سوالات خبرنگاران که ایران با توجه به خواسته‌ها و تمایلات مردمی طرح می‌شود از دادن پاسخ صریح خودداری کرد و با یک کلمه بی‌فایده و نامفهوم می‌توانم پاسخ خود را خلاص کرد. یکی از این سوالات پاسخ نداد و این در حالی است که مردم واقعا می‌خواهند بدانند چه کمروهای ایران وقت می‌خوانند. آنجا تجربه یک ساله‌ای گذشته را دارند که رژیم پنهان از آن‌ها با منابع پانصد کیلو هر چه دلتی خواست کرد و مردم را در حالی گذاشت که در جریان آمیزش با تباری. یکی از بهترین منابع طبیعی که در سال‌های گذشته غارت شد و مردم را کم و کم کین قراردادهای خارجی‌گانه برای فروش و در اصل حراج آن یعنی وارد شده همین نفت است که آقای امیرانتظام حاضر شد بگوید دولت وقت. انقلابی آن را به چه کمروهای می‌خواند.

رژیم غاصب را از بیخ و بن باید نابود کرد

در حالی که در بسیاری از محافل سیاسی رسمی و غیررسمی هنوز اظهار نظر رسمی دولت توسط سخنگوی آن بر سر کمک نظامی آمریکا و فلسطین بر سر زبان‌ها است و هر روز اخبار تکانه‌های جدیدی از تجاوز اسرائیل و توطئه در مزارع شمرک لبنان و اسرائیل و اردن و اسرائیل می‌رسد، آیت‌الله خمینی در ملاقات خویش با هیئت روحانی عربستان سعودی روزهای اولی و آخری دولت صهیونیست دولت اسرائیل اراده داد و با صراحت عنوان کرد که مسئله تجاوزات اسرائیل و به‌طور کلی خطر اسرائیل به فلسطین محدود نمی‌شود. این همان نکته‌ای است که می‌باید دولت انقلابی نیز در نظر داشته باشد و سیاست خارجی‌های را بر این اساس برپا می‌کند. حضرت آیت‌الله خمینی در این دیدار گفت در منطقه اختلافاتی دیده می‌شود که موجب شده اسرائیل با جسیت کفش برای اعراب با جسیت بیشتر و ساز و برگ استعماری کند. اسرائیل نیز خواستار نابودی رژیم نیست او خواستار غلبه بر همه دول اسلامی و مسلمانان منطقه است. باید رژیم غاصب را از بیخ و بن کند و کسانی را که از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند اجازه نداد نشو و نما کنند.

آیت‌الله خلخالی رئیس دادگاه‌های انقلاب

آیت‌الله خلخالی هفته گذشته در مصاحبه‌ای که در روزنامه‌ها چاپ شد در باره این دادگاه‌ها و دهنده‌ای را که جمهوری اسلامی ایران می‌باید آنرا دنبال کند گفته نظرهای را عنوان کرد که بسیاری از آن‌ها خوش‌سخت‌ترین افتخار و معتبرترین افتخار است که برای انقلاب خون دادند.

آیت‌الله خلخالی در این مصاحبه گفت:

ما می‌خواهیم جمهوری اسلامی بنا کنیم که در آن غارت و چاول تروت ملی وسیله امپریالیسم و در رأس آن آمریکا از بین برود و برادری و یگانگی برقرار شود و فرقی بین مردم ایران از هر نژادی که باشند نباشد. دشمنان انقلاب ایران در درجه اول عیال صهیونیسم بین‌المللی و سیا و ساواک می‌باشد که خود ساواک لوجه آن دو است. و نیز سرپرستان رژیم شاهنشاهی که به زبانه‌ها تاریخ فرستاده شده است. بقای آن‌ها با آن رژیم سقوط کرده و از بین رفته و دیگر هم برنخواهد گشت با تخمینه ذاتی خود شیخا مشغول تحریکات هستند و گاهی در تهران و شهرستان‌ها به پاسداران حمله می‌کنند و تلفاتی به‌بار می‌آورند. یعنی انتقادات به‌قول وارد است. دولت حرکت انقلابی فاطمه‌ها ندارد. دولت توانسته است آن حرکت انقلابی که مردم و امام توفع دارند داشته باشد و شاید عکس این باشد که می‌خواهند از انگلیز دستکاری غربی استفاده کنند. دولت هم خود اعلام کرده است قدم به قدم حرکت می‌کند اما واقعیت این است که انقلاب خود مسئله قدم به قدم را حل کرده است. انقلاب ویژگی خاصی دارد. تصمیم فاطمه‌ها بدون وقفه به‌نسوی که هر نوع بهانه‌گیری را از بین ببرد باید از ویژگی‌های دولت انقلابی باشد. خیلی از اشکالات هم وارد نیست که بعضی بازرگان خودش خوب به آن جواب داده است.

درباره داد‌های انقلابی آیت‌الله خلخالی گفت:

دادگاه‌های انقلابی اسلامی با یک حرکت انقلابی همه تقاضاهای شیخانی امپریالیسم آمریکا و اسرائیل را تفتی برآورد کرد و با اعدام مزدوران و زیردستان خودرخته درجه یک رژیم جنایت‌پیشه صهیونیسم صهیونیستی خط ارتزاقی آمریکا و اسرائیل را بهم ریخت و نابود کرد. جنات‌کاران باید معلوم کنند و ترمیم بر پلنگ زبندگان روا نیست. آن‌ها را از انقلاب اسلامی سوء استفاده می‌کنند که طرفدار جمهوری اسلامی هم هستند و تا دروزر ضلالت گمراه کرده بودند و می‌خواستند از طریق قانون کاسی مبارزه کنند.

اعتراضات گنگاندخته

حقیقتی که طی سال‌های گذشته خبر توده ایران بارها آن را با صدای بلند اعلام داشته و نیروهای صادق و انقلابی را چه در داخل کشور و چه در خارج از وطن از آن‌ها کرده‌بود، سرانجام به‌صورت اعتراضی تکان‌دهنده از دهان یکی از غیردورترین کارشناسان سابق در دادگاه انقلابی بیرون آمد. محمدتقی جوان رئیس اداره سوم ساواک و دوایر اول سابق سفارت ایران در این جریان آن دادگاه تحت ساواک تعدادی

چرا ما نئوئیست‌ها نقاب عوض کردند؟

محمدتقی جوان مدیرکل ساواک هفته گذشته در دادگاه انقلاب فاش کرد که یکی از مهم‌ترین وثایق پاپس مخفی‌ایران در خارج از کشور، رخنه در سازمان‌های سیا و دایمیوتی و ایچ‌آی‌آی در این سازمان‌ها منظور تصفیه آن‌ها بود. است این عنوان عالی‌رتبه امنیتی تصریح کرد که عوام فریب‌ها و آشوب‌گر ساواک از میان اعضای خود این سازمان‌ها استفاده می‌شدند. یک‌شنبه در تهران استخدام می‌کردیم و برخی هم خودمان به‌صورت مراجع می‌کردیم و از طریق سفیر یا دیگر افراد استخدام می‌آمدند.» جوان در دادگاه از روابط نزدیک و همکاری‌های وسیع ساواک با سازمان‌های جاسوسی و امنیتی اسرائیل، آمریکا و آلمان غربی سخن گفت و بین‌المللی‌سازی مطالب روزنامه لیبی «الکفاح العربی» در آف‌شای شیخ‌های بین‌المللی جاسوسی می‌کرد. این کارش از مرز آن عبور، روزی تازمانی گفت. روزنامه لیبی چند هفته پیش براساس اسنادی که در محل ناپدید می‌شد اسرائیل در تهران پیدا شده است اعلام کرد: «نایندگان اسرائیلی‌ها ویژه اسرائیل و چین، جمع‌آوری اطلاعات را همواره با یکدیگر هماهنگ می‌باید می‌کردند. چنانچه اطلاعات خود را از گروه‌های ما مالتویستی در داخل ایران می‌خواستند رژیم در ایران به‌سببست می‌آوردند.» راجع به تماسی چین، این‌خبر از طرف وزارت فلسطین تکذیب شد و سکوت آمیخته تأیید فلسطینی‌ها، رسوائی شبکه بین‌المللی جاسوسی را که در اسرائیل، آمریکا، هندومار، و سیا و سرویس حاکم امنیتی ایران و چین وصل شد و امنیتی چین با سیا و دیگر شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی غرب آمریکا، روسیه، هند، ژاپن، کانادا و غیره در کوکای سیاسیستی چندینی پیش می‌برد. «دربار و وزیر کراشگر شبکه تلویزیونی ایالات متحده آمریکا رسوا اعلام کرد که: «سازمان جاسوسی چین با سازمان‌های جاسوسی فرانسه، آلمان

فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا در پاریس ملاقات می‌کنند... چین درحال حاضر بهترین همپیمان امپریالیسم است.» (برخی از جواب انقلاب کوپا، ص ۱۸) اما آنچه قابل توجه است وجود ریشه‌های سیاسی این شبکه خرابکاری بین‌المللی در قبال گروه‌های رنگارنگ نئوئیستی در میان جنبش مبارزاتی شد می‌بویستی شد و اند امپریالیستی مردم میهن ما. روزنامه «نیوزلین» چاپ لندن در شماره ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۶ خود یک نمونه از نحوه این خرابکاری را منتشر کرد. این روزنامه از زبان یک دانشجو ایرانی نام‌نشان در ساواک (۲۱ ساله) که مدتی در انگلستان به‌دام ساواک افتاده بود فاش کرد که: «بهمین پیشنهاد کردند که به‌تدریج یک گروه مالتویستی به‌وجود بیایم.» این گروه مالتویستی که بعدها آنرا «طی اعلام مالتویستی در داخل و خارج میهن ما نیز به‌وروشکتگی و انقلاب می‌کنند، در عرصه جهانی در داخل و خارج از کشورهای ما، با یکدیگر در نتیجه فاصله گرفتن از خیالی‌های جاسوسی را که در اسرائیل، آمریکا، هندومار، و سیا و سرویس حاکم امنیتی ایران و چین وصل شد و امنیتی چین با سیا و دیگر شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی غرب آمریکا، روسیه، هند، ژاپن، کانادا و غیره در کوکای سیاسیستی چندینی پیش می‌برد. «دربار و وزیر کراشگر شبکه تلویزیونی ایالات متحده آمریکا رسوا اعلام کرد که: «سازمان جاسوسی چین با سازمان‌های جاسوسی فرانسه، آلمان

اطلاعات آیدنولویک آلبانی و چین، در دست‌های امولا سزاده‌ای از هم فاصله می‌گیرند و راپنا این برهان موجب یک‌دست‌شدن در جانب پکن ورهبری می‌گردد از گروه‌های مالتویستی. گردیده که می‌گویند این گروه‌ها را احیا و از لحاظ آیدنولویک و سازمانی تنظیم نمایند و شیوه کار آن‌ها را تغییر دهند. گروه‌های مالتویستی که در سال‌های ۶۰ در نتیجه سیاست انتشار گرا نه حزب کمونیستی چین به‌وجود آمدند، در اواسط سال‌های ۷۰ وارد مرحله دوم بحران خود شدند که اکنون به‌اشکال مختلف تظاهر می‌کنند: برخی از گروه‌ها از مریوان‌انحلال‌خود، به‌وجودیست خویش خاصه می‌نهند، انتشار در میان فرقیون‌های خاصه تمندی می‌نمزد و سرانجام برخی سازمان‌های مالتویستی به‌سبب فشار چهار و سه سازمان‌های تروتسکی بدل می‌گردند - و با مستقیم و غیرمستقیم در کنار امپریالیسم و ارتجاع قرار می‌گیرند. در پرو، هلند، ساواک، اورادور، سودان و بسیاری از کشورهای دیگر گروه‌های مالتویستی انحلال خود را اعلام کردند. بیرون سابق مالتویستی که تمیز به‌قطع ارتباط با این آیدنولویک می‌گیرند، اغلب طی اعلامیه‌های، نشانی مالتویستی را با جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری و با مبارزه خویش در راه صلح و رفاه اجتماعی ملی اتنا می‌بازند و طرف می‌کنند. اعلامیه «مهربان و فاضلان گروه سیاسی حزب برود» که در پرو در ۱۹۷۶ در این رسا با مالتویستی قطع علاقه کرد، از این لحاظ توجیه توجیه است: «فصلت آیدنولویک مالتویستی عبارتست از نفی نقش رهبری مالتویستی را روند انقلابی ما، سراسری خرنه بی‌وزواری و ذن‌گرائی، تاراج از جنگ جهانی مشابه تریخ کننده انقلاب جهانی، شیویم عظمت شورایی و خسوت لجام گسخته یا اتحاد شورایی» که روز سازمان‌های آزادی را مالتویستی می‌نمزد: «سازمان صرف به‌پشتاننگ کمونیستی و تروتسکی اعلام نمود که: آیدنولویک مالتویستی را به‌عنوان چیزی که با کمونیسم در یکجا نمی‌گنجد، مردود می‌شمارد.» در اواخر سال ۱۹۷۷ «حزب کمونیستی انقلابی شیخی» که متعایل به پکن بود در پاریس یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس اعلام کرد که مناسبات خود را با رهبری حزب کمونیستی چین قطع کرده است. در نامه رسیده حزب کمونیستی انقلابی شیخی به‌طرف کمونیستی چین تصریح شده‌است: «استراتژی رهبری جدید چین که موجودیت جبهه سوسیالیسم را به کلی نادیده می‌گیرد، صادرات از منی ایدنولویک شیویتیست است.» گروه و سازمان‌های سابق‌مقدم مالتویستی در بتکلاش، هندستان، ژاپن، چین، انگلستان، ایالتی، سوئد، نیوزلند، آمریکا و دیگر در یورپی با بحران مالتویستی یا آن‌ها محکوم کردند و با متلا به‌تجزیه و انشعاب شدند. مجله «کمونیستی (ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیستی اتحاد شوروی) در شماره ۱۶ نوامبر ۷۸ نوشت: «تفرقه و سردرگمی تفرق آیدنولویک و فرقه‌گرایی وجه مشخص وضع گروه‌های مالتویستی در کشورهای مانند آلمان فدرال، اسپانیا، هندستان و بتکلاش و همچنین درمنطقه آمریکای لاتین است.» این مشخصات بهترین وجه موقعیت کنونی مالتویستی در ایران نیز نشان می‌دهد. مالتویستی را از این پس از یک انقلابی روزگنر، به‌سبب ترغیب شد. تجزیه در یورپی، انتشار در انشعاب. از این جریان انحرافی که از کثرت توده مردم بی‌وزواری و مدعیان در عرصه ما سوء استفاده کرده بود، جز گروه‌ها و گروه‌های مجزا از مردم و یکپارچه در نگاه آن‌ها، باقی ن‌گذاشت. اصولاً توجه به این واقعیت حائز اهمیت است که در دهه‌های اخیر توده‌های میلیونی مردم که سابقاً از شرکت در زندگی اجتماعی برکنار بودند، داخل میدان مبارزه سیاسی شدند. اینان عبارتند از توده‌های عظیم دهقانان در کشورهای در حال رشد، جوانان دانشجوین و روشنفکران در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری. افکار غیر مارکس با به‌سبب درآمدن و پیوستن به‌مبارزه آزادی‌بخش شد امپریالیستی، همه محصولات، متاع، رزوها و خرافات سنتی خود را نیز با خویش می‌آوردند. تجزیه این افکار جدید با دیدن علم و روش‌های جاری و آموختن این‌ها از آن‌ها که برپایه تجارب خودشان رامینند و برگیرنده انقلابی را خودکام مین کنند و متاع واقعی خود و وظایف مسئولان انقلابی را از ابراج خیالی‌های با گرد و خاک‌های عوام‌فریبانه - که جنبش و پیوستن و پاس و شکست سرکشتک می‌کنند - چگونه تشخیص دهند. امری است که بزمان و به‌مبارزه خشک‌ناپذیر گردان‌های پیشرو طبقه کارگر و پیشاننگ

دانشجو و یا افرادی را به‌نام دانشجو تربیت می‌کرد و برای ایجاد تفرقه در صفوف گروه‌ها و احزاب و بافرقه کثرت‌پرستی به‌خارج از ایران اعزام می‌داشت. این دانشجوین به‌اصطلاح «انگلیزهای از پاپ» بودند و در جلسات تندترین پیشنهاد را می‌دادند و زیر مامک انقلابی نهان می‌شدند تا تعصبات تفرقه‌انگانه خود بتوانند ادامه دهند. توجه ایران بارها در این باره هشدار داده بود و حتی در مواردی نام کسانی را که با‌بافتارهای ایران ارتباط داشتند و برای ساواک جاسوسی می‌کردند فاش کرده بود. تعدادی از همین دست‌پروردگان ساواک زیر نام اندیشه‌های مالتویستی دین خود اقدام به‌قتل‌بند و سرور کردند و توانستند در داخل ایران نیز از این طریق نفوذ کنند و تفرقه‌ها بملکی به افراد سدیق و انقلابی برزند که نوه‌های سیروس مالتویستی و تروتسکی و فلولی و... است.

سخنگوی جوان در جریان همین دادگاه اعتراف کرد که بین ساواک - حواد - سیا و سازمان اطلاعاتی آلمان غربی یک پل ارتباطی وجود داشته که عملیات علیه اطلاعات ایران را هماهنگ می‌کرد. است. جوان در این دادگاه چندین بار واقفیتی اشاره کرد که باید آن را به‌تدریج مورد توجه قرار داد و زیر ذره‌بین انقلابی گذاشت و از آن درس گرفت. او گفت ساواک‌های ولفه تلاش می‌کرد تا از وحدت گروه‌ها جلوگیری کند و برای ترمیم با آن‌ها به‌طور جدی‌گانه روبرو خود و زیر ضربه‌های قرارشان بدید. این واقعیت اکنون نیز در برابر ماست. ساواک این درس را از استاد گمنام کارش می‌داند آمریکا بخواه خود و جهان استاد با تجربه و گمنام کار اکنون هم با کمک عواملی که هنوز در داخل ایران دارد می‌تواند تلاش می‌کند تا در صفوف بهم فرسوده خلق ایران نقاب بگذارد تا بتواند در لحظه مقتضی به انقلاب ضربه بزند. نمونه‌های زیادی از این‌گونه تلاش سازمان‌های جاسوسی آمریکا و دیگر کشورهای غرب به‌کمک سرپرستان رژیم گذشته کاملاً به‌چشم می‌خورند و قابل درک است. فراهم کردن زمینه برخورد صهیونیسم با صهیونیسم بود و به‌اصطلاح جدا کردن صف متحد و بهم فرسوده توده‌های مردم به‌این بهانه - در زمینه‌هایی در مناطق مختلف ایران از جمله کتید و کرمان و ابریز تفسیر برای برپایی جنگ و خویشی و برادرستی به‌پهناسه شیبه و سیا و آذربایجان و کرد از جمله همین شیوه قدیمی نیست؟ سر شدن دهها گروهک به‌نام مارکسیت و در اصطلاح مردم «دبچه» نحوه دیگری از همین توطئه قدیمی و پراکنده نگهداشتن نیروها نیست؟

در همین زمینه دکتر یردی معاون نخست وزیر طی اظهار نظری که در روزنامه کیهان چاپ شد اعلام داشت که ما و مارکسیت‌ها اختلاف آیدنولویک داریم و کسی می‌تواند در یک مبارزه سیاسی و آیدنولویک به‌آن ادامه دهد ولی درگیری فیزیکی بین مسلمانان و مارکسیت‌ها به‌نفع ما نیست ولی می‌بینیم تحریکات شدیدی هست که عده‌ای را به‌عنوان مسلمان و غیرمسلمان به‌هم می‌پزند.

سفیر جدید آمریکا کارشناس توطئه‌گر است؟

مطبوعات ایران در این هفته خبر داده‌اند که به‌زودی سفیر آمریکا در کشور زلیخ به‌عنوان سفیر آمریکا در ایران مأموریت خواهد گرفت و عازم محل جدید مأموریت خود خواهد شد. در سال‌های گذشته به‌وضوح ثابت شده است که آمریکا با توجه به شرایطی که بر ایران حاکم بوده سفیر و در اصل کارشناس آن شرایط را به‌عنوان سفیر به ایران فرستاده است. مأموریت ویژه ریچارد هلدر در شرایطی که ایران به‌اندازم منطقه تبدیل شده بود و باک‌های جاسوسی علیه کشورهای همسایه مخصوصاً شوروی یکی بعد از دیگری برپا می‌شد. و همچنین سرکوب وحشیانه تمام نیروهای انقلابی در کشور ریز بود، از این جمله. مأموریت آقای میلووان سفیر سابق آمریکا در ویتنام که در سخونت و ایجاد ارتعاب شهرت جهانی دارد نمونه دیگری است. با توجه به این سابقه و با توجه به‌سرکوب نیروهای انقلابی و درهم‌پوشیدن انقلاب خلق زلیخ انتخاب سفیر جدید آمریکا در ایران باید مورد بررسی قرار گیرد. بی‌شک او کارشناسی تحریک و توطئه است.

مرد ایران هنوز اخبار مربوط به محلات وحشیانه سربازان موبوتو (یکی از معروفترین مزدوران آمریکا) با کمک سربازان کرد و حرف‌های را که توسط سیا استفاده شدند و اثرش زلیخ را زیر نظر مستقیم سفیر آمریکا یاری کردند به‌عناظر دارند. با توجه به‌همین سابقه انتخاب سفیر آمریکا در زلیخ به‌عنوان سفیر آن کشور در ایران مرد ایران را به‌حق ترغان کرده است.

انقلاب اکتبر و ایران

پروزی اکتبر دوران نوینی را در تاریخ بشریت گشود؛ دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم. از برکت پروزی اکتبر و پیدایش نخستین کشور کارگر - دهقانی جهان بود که ملل مستعمرات امکان یافتند زمین‌های اسارت را بازکنند. ایران، زودی و مستقیم از هر کشور دیگر جهان از اکتبر بهره‌مند شد. اگر انقلاب اکتبر پروزی نبود، کشور ما بین دول بزرگ استعماری و قبل از همه دول امپریالیستی انگلیس و روسیه تزاری تقسیم بود. ما استقلال و تمامیت ارضی خود را - در همان حدی که باقی‌ماند - مدیون اکتبریم.

در روزهای اول انقلاب اکتبر مردم ایران با این واقعت متعرف بودند. انقلاب روسیه که سلطنت خونخوار و جنایت‌کار رومادها و سپس حکومت بزرگترین سرمایه‌داران و ملاکین روسی را برانداخت، در نال مردم ایران نور امید محید و مردم یا احساس محبت و خوشنای نسبت به انقلابیون روسی و پیروزمیست بولتین، رهبر بزرگ انقلاب خود می‌کردند.

پرسی تاثیر عظیم و همه‌جانبه انقلاب اکتبر در ایران نمی‌تواند موضوع نوشته کوتاهما باشند. ملازمانندانی بودند پانزاد تصنیف و از جمله به کتاب انقلاب اکتبر و ایران از انتشارات حزب توده ایران آنچه کردند. آنچه در چارچوب آموزش از تاریخ لازم می‌رماند با خواندن آن در میان گذاریم چگونگی تحریف تاریخ از جانب دشمنان خلق است که مایل نیستند مردم ایران حقیقت را درباره تاثیر جهانی اکتبر دریابند. این تحریف از مساجد انجام شده است:

۱. از جانب عبادان پهلوی و روشنگران خادم آن
 ۲. از جانب محافظ بورژوازی هوادار امپریالیسم امریکا
 ۳. از جانب محافظ شد کمونیستی و از جمله مائوئیستی.
- محافل مدافع رژیم پهلوی پیش از پنجاه سال گذشته در آنچه را که مردم ایران از برکت پروزی اکتبر بدست آورده‌اند حساب برپا می‌نمایند و چنین وانمود می‌کنند که گویا بر اثر کودتای سوم آگست پهلوی پستانه‌ها نه‌جای‌مانده ظهور کرده و ایران را بجات پشید. در حالی که همه خدماتی که تاریخ نگاری دوداری بهای رنخاخان می‌نویسد در واقع نتیجه پروزی اکتبر بود.
- محافل بورژوازی وابسته و یا متمایل به امپریالیسم امریکا تاریخ سال‌های پس از اکتبر را از زاویه دید وین‌امی‌نگرند. آن‌ها موفقیتی را که مردم ایران به‌پاکتای پروزی اکتبر در لنو قرارداد اسارت‌بار ۱۹۱۹ و حفظ نسبی استقلال ملی کسب کردند بهای امپریالیسم امریکایی‌نویسند و مدعی‌اند که امریکا بهترین دوست ایران است و گویا همواره به‌مردم ایران بدون کمترین چشم‌داشت کمک کرده است. نظر این محافظان پیروزه در جنبش ملی‌شدن نفت برای مدتی به‌طرف سلطه در جبهه ملی ایران بدل شد و فرخ‌های سنگین ولزاد آورد.

از ۱۳۵۰ سال پیش محافظ مینینی پیدا شدند که تاریخ ایران را سال‌های پس از اکتبر باهدف آشکار شد کمونیستی تحریف می‌کنند. این محافظان را وابستگان به امپریالیسم و متحدین مائوئیست آن‌ها تشکیل می‌دهند. این محافظ شد کمونیست و امپریالیستی از این نقطه‌نظر می‌کنند که انقلاب اکتبر می‌توانست نتایج پرمیاف و ترسناک‌تری سپار آورد ولی گویا دولت شوروی به‌عوض منابع محدود و تنگ‌نظراناش به اندازه کافی به‌جیشی جنگل کمک نکرده و به‌میزان کوچک‌جان «دخاقت» نمود و بر اثر آن جنبش انقلابی ایران شکست خورد.

بازبینی واقعتی چیست و چگونه تحریف شده است: این‌ها در آستانه اکتبر کوروی نیمه مستمره و به‌قول لنین «نهمه مستمره» و یا قدرتی به‌طور کامل مستمره بود. قرارداد ۱۳۵۷ تقسیم ایران میان امپریالیسم روس و امپریالیسم امریکایی در سال ۱۹۱۵ در یک معاهده سری نوین تائید و تثاب شد و دولت‌های استعماری فرانسه و انگلیس نفوذ روسیه را در شمال ایران تصدیق کردند. علاوه بر چنان‌چکه ارتش‌های انگلیسی، روسیه تزاری، عثمانی و احمدخان از آمان‌ها به‌پاران ریخته و سراسر کشور ما را اشغال کردند، دولت‌های عثمانی و وابسته ایران نیز که یکی پس از دیگری روی پا می‌مانند نفاذ و نه حتی مایل بودند که کشور را از چنگ اجاب بجات محدد، حتی انقلاب فوری بودند نیز تئوریک در این وضع نداد زیرا در این انقلاب سلطنت رومادها سرنگون شد اما حاکمیت بزرگترین سرمایه‌داران روس برجای ماند و لذا دولت موقت به‌ استقلال اعلامی روسیه همان سیاست تاجوزکارانه تزاری را ادامه داد. وزیر خارجه دولت موقت «انقلابی» روس ملی تکراری به‌نامینده خود شد تهران گفت:

«میدان می‌دانیم به‌اطلاعه دولت شاه برسانیم که روسیه مانند سابق با انگلستان با ایران... همکاری خواهد داشت... در سیاست روسیه نسبت به ایران تغییر حاصل نخواهد شد.»

اگر پروزی اکتبر نبود «مهاجرتی» انگلستان و روسیه در مورد ایران باجاری قرارداد‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ منجر می‌شد. اما انقلاب اکتبر پروزی شد و دولت کارگر - دهقانی روسیه جهان سیاسی پیش گرفت که از ریشه با سیاست دولت‌های تزاری و دولت‌مقتدر سرمایه‌داران روس تفاوت داشت. دولت شوروی بلاقلمه در پیمای خطاب به «مهاجرتی» گفتان سلطان روسیه و شرقی که به‌امضای لنین منتشر شد اعلام داشت که قرارداد تقسیم ایران از هم دریده و نابود شده است. واحمدای نظامی‌روس بلاقلمه که علیات چنین سرنوشت خود آزاد خواهند بود. خواهند رفت. مردم ایران در جنبش سرنوشت خود آزاد خواهند بود. دولت شوروی قرارداد‌های سری و از جمله قرارداد ۱۹۱۵ را افتاد و بی‌انتخاب اعلام داشت. و آمادگی خود را برای لنو تمام‌اتیازات تزاری‌های روسی در ایران به اطلاع دولت ایران رسانید.

ولی دولت‌های ارتجاعی و وابسته‌ایران همه پیشنهادی دولت شوروی را بدون جواب می‌گذاشتند و در انتقاد با دولت استعماری انگلیس و ارتش انتالگران آن در ایران، می‌کوشیدند تا به‌واحمدای شد انقلابی‌روس در ایران کمک کنند تا شاید حکومت سرمایه‌داران به روسیه بازگردد. پیش از سه سال دولت شوروی یادداشت و پیام پشت یادداشت و پیام با‌پاران می‌فرستاد که حاضر است مناسبات خود را با‌پاران براساس نوینی تراز سازد. قروض روسیه تزاری را با‌پاران به‌پشتند امتیازات استعمار را این‌تو کند و غیره و ولی دولت‌های مستعمرانه انگلیس همه این... اجاب را بلا‌جواب می‌گذاشتند. واحمدای نظامی انگلیس و واحمدای شد انقلابی اکتبر روسیه که در ایران مانده بودند نمایندگان دیپلماتی شوروی را دستگیر و اعدام می‌کردند. نخستین سفیر دولت شوروی «مام کولومبیتف» که پیمای دایر با‌لغو همه امتیازات روسیه خطاب به‌دولت ایران آورده بود و پیشنهاد استقلال و آزادی به‌پاران می‌داد از طرف شد انقلابیون روسی و با کمک انگلیس و دولت مرکزی ایران دستگیر و اعدام شد.

در ۱۹۱۹ در یسفال و اندی پس از پروزی اکتبر - امپریالیسم انگلیس قرارداد اسارت‌باری به‌پاران تصیل کرد که به‌موجب آن ایران تحت‌الحمایه انگلیس قرار می‌گرفت. این قرارداد وقتی نمودن و تصیل شد که دولت جوان شوروی از هر طرف تحت فشار نیروهای ضدانقلابی داخلی و خارجی قراردادش و استعمارگران انگلیس گمان می‌کردند که موفق به‌سرکوب انقلاب اکتبر خواهند شد و وزیران‌های خود فروخته تزاری را ریشتند حکومت روسیه خواهند تائید.

تولد‌ها و درباریان مرتجع ایران نیز که از پروزی اکتبر و گشودن جنبش انقلابی در ایران و شرق پشندت نگران شده بودند با استعمارگران انگلیس هم‌دستان بودند و به‌جای پذیرش پیشنهادی بی‌اعتبار دولت شوروی با قرارداد ۱۹۱۹ موافقت می‌کردند. این محافظ ارتجاعی به‌نامیند و به‌علاقه با‌شدند که دولت شوروی در خاک روسیه تحمیک شود. آن‌ها به‌بستر امکانات خود به‌شدت انقلاب روسیه کمک می‌کردند. واحمدای نظامی انگلیس با کمک آن‌ها از خاک ایران می‌گشتند و به تقاضای و آسپای میانه می‌رفتند. هیئت حاکمه ایران به‌حکومت ارتجاعی و شد انقلابی سرمایه‌داران آذربایجان شوروی که زیر نام مساوات‌چراها قصد برانداختن حاکمیت کارگران و دهقانان را داشتند کمک می‌رماندند.

اما طبرخه همان ایضا و طبرخه دخالت مستقیم و نظامی ۱۴ دولت امپریالیستی جهان، زحمت‌کنان روسیه زیر رهبری حزب بلشویک و با یسوانی لنین پیروز شدند. ارتش سرخ سراسر خاک جمهوری‌های شوروی را از نیروهای نظامی شدن پاک کرد و به‌میزهای ایران رسید. تازه در این زمان بود که جناح غالب‌تر و دودانیش‌تر هیئت حاکمه ایران موافقت کرد که پیشنهادی اجابت‌بخش حکومت شوروی را بپذیرد و قرارداد‌های دولت شوروی منعقد کنند.

قرارداد ۱۹۱۹ ایران و شوروی که سند اساسی مردم ایران بود در زیر ضربات ارتش سرخ ایران‌پار شد. دولت شوروی از نخستین روز اشغال این قرارداد اعلام کرده بود که آنرا به‌رست نمی‌نماید و خواستار اتمام آن است. مردم ایران نیز در سراسر کشور علیه آن برخاسته بودند ولی چنان‌که می‌دانیم تنها تائب نیرومات که در مناسبات امپریالیستی شش‌تئین‌کننده دارد. اما وقتی که امپریالیسم انگلیس امپراتور بود که حکومت شوروی را برانداخت و تاتوی که واحمدای انگلیسی می‌توانستند در تقاضای و آسپای میانه پی‌شوروی کنند لنو قرارداد ۱۹۱۹ منقور بود. اما وقتی که ارتش انگلیس در تقاضای شکست خورد و به‌فصلت و حکومت شوروی در سراسر خاک روسیه تحمیک شد دیگر حفظ این قرارداد منقور بود.

نماندگان ایران که در سکر با پیشنهادی دولت شوروی آشنا شده بودند دیگر نمی‌توانستند با هیچ‌چاه و ستاوری آذربایرش آن امتناع کنند.

دوره‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۰ بهمن ۱۳۵۰ در سکر قرارداد معروف ایران و شوروی منعقد شد و قرارداد ۱۹۱۹ به‌طور تاریخ سیرده شد. موافق قرارداد ۱۹۲۱ که در ۲۶ ماه دومین شد دولت شوروی شوروی تمام معاهدات و قرارداد‌های دولت سابق روسیه را به‌پاران لنو نمود. دولت روسیه تمام معاهدات و قرارداد‌های دولت سابق روسیه را با دولت ثالث رایج به‌پاران لنو نمود، دولت روسیه اعلام داشت که در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد. دولت روسیه قروض ایران به‌روسیه را باطل گردانید و بانک استراسی‌های روس را با تمام نفوذ و اموال منقول و غیرمنقول به‌پاران تئویش کرد. همه خطوط شوسه و راه‌آهن و وسایل حمل و نقل و خطوط تلگرافی... را که در اختیار روسیه تزاری بود به‌پاران تصویل دادند. تمام امتیازات دولت سابق روسیه را به‌استیاز اعلام کردند... حق قضاوت کسولها (کاپیتولاسیون) را به‌کلی باطل دادند...

این قرارداد ۲۶ مدامی، به‌طور عمده قرارداد بل‌جانبه است یعنی قراردادی است که اکثریت قریب با‌تفاق موافق آن به‌مورد ایران و برای واگذار و انکار این امتیازات تزاری به‌پاران است. نهادان آن یکطرفه از جانب شوروی در قبل ایران است. جز در یک مورد که دولت ایران به‌جانب می‌خود که اگر نتواند جلو قشون دشمن روسیه را که به‌خواهد ازایران به‌روسیه حمله‌کنند بگیرد؛ ممانعت از ورود قشون روس نخواهد کرد. استعمار انگلیس که نتوانست جلو اشغال این قرارداد‌های سیرده سیاست مسلح جمهوری شوروی را بگیرد، از راه دیگری وارد شد و هم‌زمان با اتحادیه قرارداد ۱۹۲۱، کودتای سوم اسفند را به‌رود انداخت و نفوذ خود را در ایران به‌شکل روبروش‌دهی تحمیک کرد.

حکومت رشخانی که بر اثر این کودتای روی کار آمد. بندسها مدعی شد که گویا اوست که کاپیتولاسیون را باطل کرده، اوست که امتیازات خارجی را لنو کرده است. در حالی که همه این کارها تنها به‌برکت انقلاب اکتبر انجام گرفت و متبکر آن دولت شوروی بود و نه‌حکومت رشخانی.

تحریف تاریخ، چنان‌که کتیب از جانب محافظ هوادار امپریالیسم امریکا نیز انجام‌گرفت که به‌خصوص درسال‌های گشودن جنبش ملی شدن نفت نقش بسیار منفی و زیان‌بخشی بازی کرد.

موضوع این‌است که امپریالیسم امریکا از آغاز قرن بیستم رفته رفته وارد عرصه سیاست جهانی شد و علاوه بر سلطه بر قاره امریکا - با حق سلطه خود می‌دانست - داعیه سلطه بر مناطق دیگر جهان را نیز مطرح کرد از جمله ایران از همان آغاز بر مرکز توجه سرمایه‌داران امپریالیستی قرار گرفت. آنان با ابرام میلیون مذهبی و تائیس مدارس و غیره به‌پاران راه یافتند و توانستند در ۱۹۱۱ مایه ایران را به‌جست گیرند. شوستر کارناشی که‌مایه امپریالیستی در این زمان به‌ریاست امور مالی ایران رسید و با آنها پیش رفت که در جنب مایسه سیروسی اندرانم ایجاد کرد ولی بر اثر اعتراضات و دخالت خشن روسیه تزاری که نمی‌خواست نفوذ رقیب را در ایران تحمل کند، میسون شوستر از ایران رانده شد.

از آن‌زمان محافظ بورژوازی ایران که در نبرد علیه سلطه روسیه تزاری و استعمار انگلیس دنبال نیروی سوسی می‌گشتند به‌امپریالیسم امریکا دل بستند. امپریالیستی‌های امریکایی نیز این فرصت را غنیمت شمردند.

از زمان جنگ جهانی اول جنگ نفت نیز بالاگرفت و امپریالیست‌های مای امریکایی که در این عرصه قدرت فراوانی داشتند پیش از پیش به‌پاران توجه نمودند و زمانی که بر اثر سرنگونی تزاری و سپس پروزی اکتبر، قدرت روسیه در ایران متزلزل شد به‌فکر آن افتادند که جای پای خود را در کشور ما محکم کنند و از این موضع بود که با قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران مخالفت کردند و اعلام‌های علیه آن دادند. در آن‌زمان این مخالفت هنوز قدرت اهرائی نداشت و امپریالیسم انگلیس در خاورمیانه قوتی از آن بود که امریکا بتواند در ایران‌چها باز کند. با اشغال بخشی از محافظ بورژوازی ایران نقش امریکا در لنو قرارداد ۱۹۱۹ بسیار بزرگ کرد و چنین وانمود کردند که گویا قدرت امریکا بود که انگلیس را وادار به‌بعضی‌شدنی نمود.

درسال‌های بلاقلمه پس از اکتبر، این نوع تبلیغ به‌مورد امپریالیسم امریکا وسیله‌های بودی برای مقابله با نفوذ انتی‌دهی انقلاب اکتبر و در عین حال تقویت مواضع امپریالیسم امریکا که هنوز در ایران شناخته نشده بود. با کمک تبلیغات بسیار طشون می‌شد چنین وانمود خود که گویا ایران‌دوست سیزار استون و بی‌غرضی دوان‌سوی درخوا به‌پادگرفت است. هیئت نمایندگی امریکا در کنفرانس صلح پاریس از اشغالی‌های عجیب و غریب ایران علیه حکومت جوان شوروی حمایت می‌کرد و ایمنوار بود که ایمنوار توانست با انگلستان کنار آمده‌جایی روسیه را در ایران بگیرد. در ضیافت برطوطراسی که هیئت نمایندگی ایران با‌تفاهات هیئت نمایندگی امریکا در پاریس داده بود رئیس هیئت ایرانی می‌گفت:

دورخ آمانیت پروزی و فطرت پاک که در ملت امریکا متعانه می‌گم به‌اندازه‌ای دقیق و حساس است که بیان حوادث جزئی‌تک موجب تاز و تالم شنیدشان خواهد گردید.

در این جام رشراز از موت در باسلامتی متر. ولین که از بزرگترین منافع سباسبون عالم بوده، همه امید

عدهات گشتری را از ایفان دارند می‌نوش. وزیر خارجه امریکا پاسخ می‌داد: درپس جمهوری امریکا... یگانه موت میسی ایران است و همواره در این راه با‌تقدم خواهند بود. اکنون باید ایران و امریکا متفقا با محبت زوال‌ناپذیر دست به‌جست بکنند و راه در بنیان تقسیم اساس جدیدی که پایدار اندی استوار نمایند.

برای کسانی که از اشغال جهان آن‌روز و هدف‌های سیاست امریکا باخبر بودند همه این کلمات بوی نفت می‌داد. اما محافظ بورژوازی ایران نمی‌خواستند آنرا بشنوند. فزون براین، این محافظ از ترس جنبش‌های ملی ایران خلاف‌تند بودند که‌های امپریالیسم امریکا را چارین بکنانند. از این‌جای بود که دولت قوام‌سلطنه در ۱۹۲۱ قرارداد واگذار و انکار این امتیازات شد. علاوه بر سکر امریکایی سینگلر امضا کرد و مجلس آنرا تصویب نمود. علاوه بر مالی ایران یکبار دیگر به‌جست هیئت مستشاری امپریالیست‌ها به‌ریاست میلسو سیرده شد. کسانی که امروز با این حوادث آشنا می‌خوند به‌آسانی با‌حمیت سیاست امپریالیسم امریکا می‌توانند. اما آن‌روز چنین نبود. حتی ۳۵-۳۰ سال پس از آن نیز بسیاری از محافظ بورژوازی و روشنگری ایران نمی‌توانستند این حقیقت را به‌پذیرند که امریکا در ایران هدف‌های امپریالیستی دنبال می‌کند.

درسال ۱۳۳۵ - وقتی حکومت رشخانی سرنگون شد - محافظ هوادار امریکا براساس فاشیستی که دیپلماتی امریکا علیه قرارداد ۱۹۱۹ کرد و تبلیغات وسیعی به‌راه انداختند و چنان وانمود کردند که گویا امریکا ناجی ملت ایران است. حسین مکی - که به‌همراه کورنل ججه ملی شد - در کتاب‌هایی که منتشر می‌کرد ادعا نمود که: «ملت ایران و امریکا در دفتر خاطرات خود جز محبت به‌هم‌ریکا چیزی نمی‌یابند»

دام بلند شوستر امپریالیستی در دل ایرانیان ثبت است. وزارت خارجه امریکا به‌وسیله وزیر مختار خود رایج به‌تفاهات با قرارداد ۱۹۱۹ که وثوق‌الدوله آنرا منعقد کرده بود در تهران اعلام‌های صادر کرد و به‌ان وسیله مملعت ایران فیهامد که دولت امریکا با هر نوع استعمار و استعمار مخالفه است!

این نسوع اظهارنظرها خاص مکی نیست. در بخشی که حوادث سال‌های جنگ مود جهانی و سپس گشتری جنبش ملی‌شدن نفت را خواهیم گفت شوامند بیشتر خواهی آورد حاشی از این که این نقطه نظر نسبت به‌امپریالیسم امریکایی و نقش آن در سال‌های پس از انقلاب اکتبر، نظر سلطه در بخش بزرگی از بورژوازی ملی ایران و روشنگران وابسته - بیان بود.

در شماره بعد این بحث را ادامه خواهیم داد و در باره جنبش‌های انقلابی و دمکراتیک ایران که بر اثر پروزی اکتبر وست گرفت و نقش مؤثری در حفظ استقلال ملی ایران ایفا کرد، بحثگو خواهیم کرد.

۱. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، جلد سوم، صفحات ۹۵-۸۵.

در آستانه کفرانس...

به‌این ترتیب که کشورهای غرب درموقع فروش تکنولوژی خود با اشتاد قرارداد های یکطرفه، عصاره کشورهای عقب‌مانده را به‌متابون مختلف (سود سرمایه خود یا بهره وام اعطایی یا حق‌التیاز و غیره) می‌کنند.

بر طبق این تبیین محافظه‌کارانه، مناسی که از این جنبش به‌وسیله اعمال روش‌های نو استعماری عاید غریب‌مفود سالیانه بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار می‌گردد. این حداقل باج سالیانه‌ای است که کشورهای غرب از طریق شرکت‌های چند ملیتی از کشورهای عقب‌مانده می‌گیرند. قطعه‌ها کفرانس آرزوی مستقیم متوقف نمودن این غارت‌گری تأکید نموده‌است.

کفرانس به‌تمام کشورهای عقب‌مانده مسرا تأکید نموده است که در راه‌یاباره با استعمار استعماری تزاریستی و آپارتاید با تمام قوا مجاهدت نمایند. کفرانس پشتیبانی خود را از مبارزات آزادی‌بخش خلق‌های قهرمان نامیبیا، زیمبابوه، آفریقای جنوبی و فلسطین ابراز نموده است. کفرانس از مخالفت خود کشور حاشی را که تحت عنوان «دک‌های نظامی» یا «دک‌های مالی» و غیره می‌می‌کنند کشورهای عقب‌مانده را تحت سلطه خود درآورده و در سیاست‌های آن‌ها دخالت نمایند محکوم می‌نماید.

جولیوس نیرده رئیس جمهوری تاتاریا نیزه کرده که برای ایجاد نظام نسوین اقتصادی در جهان که بر پایه اشتشار ثروت‌های کشورهای عقب‌مانده به‌وسیله کشورهای بزرگ سرمایه‌داری استوار باشد، راهی طولانی و مشکل در پیش است. در این راه تضاد و تعاون کشورهای عقب‌مانده در رسیدن به‌جست، نقش تعیین‌کننده و اساسی دارد. به‌همین جهت امپریالیسم جهانی امید خود را با‌پادها تفرقه در کشورهای گروه ۷۷ بسته است.

نقل از مجله عصر جدید

جهان در یک هفته

حمله انبساطی چاپ بیروت نیز نوبت که آمریکا تصمیم گرفته است حضور نظامی خود را در خلیج فارس، آلبانیوس هند و بحر احمر تقویت کند.

همدستانان چین با امریالیسم

تنگناهای چین با امریالیسم: چین از یک طرف اعتراف کرد که یکس از افراد پیمان صلح صحر و اسرائیل پشتیبانی کرده ولی این کار را همراه اعلام داده است تا به اصطلاح روایت دهخته خود را با عقاید عرب حفظ کند.

چرا مائوئیستها تقاب...

آن پنی احزاب مارکسیستی نیازمند است. مائوئیست درست بر روی این نودها که با شوری آتین شوخان برچیدن هر چه سریعتر نظام ست و انتشار بودند، ولی پانزدهوی این نودها واقعی نهاده، بلکه از نصف آنها سود استفاده کرده، و اینک نیز مائوئیسم ایرانی که در چهار دهه گروه و گروهک داخل و خارج از کشور پایش به گل نشسته و جایش دیگر رنگ ندارد، باز می‌گردد با سود استفاده از این دستف برای خود بازار گرمی کند و با پوشیدن ماهیت خود در زیر اصطلاحات و عبارات مارکسیستی و اختراع شبه تئوریهای انقلابی، در برابر انقلابیون واقعی سنگ بیندازد. از سکه افستادن مائوئیسم در بازارهای داخل و خارج کشور، رسوائی سیاستهای غیر قابل

دفاع بکن در حدیثی با امریالیست‌ها، ژادپرستان و ارتجاعی‌ترین نیروها از یک سو و ترویج مارکسیسم - لنینیسم امپیل در کنار گسترش کمی و کیفی طبقه کارگر ایران و تشدید آشنگه چپاشدن عناصر صادق و حتی چپه گیری آنها در برابر مائوئیسم، مائوئیست‌های باهوش‌تر را به فکر چاره انداخت و منجر به ظهور مائوئیسم حقت خط جدیدی شد. تفاوت عمده مائوئیست‌های جدید با مائوئیست‌های قدیمی در این است که آنها دیگر به‌ظاهر از یکس و سیاست‌های شناخته شده آن دفاع نمی‌کنند، دیگر سنگ تئوری‌های مائوئیسم را به سینه نمی‌زنند، برعکس از موشی به‌ظاهر مستقل گاهی هم به این سیاست و تئوری‌ها می‌تازند، تا در عمل از آن دفاع کنند در عمل آنرا به پیش ببرند. اما هم این مائوئیست‌های تقاب پوش که به اصطلاح ایزرکم می‌کنند و نمل وارونه می‌زنند و هم گفته مائوئیست‌های پورشکسته، مختصات مشترکی دارند که هر قدر هم در پنهان کردن خود بکوشند، باز با این ملامت و مختصات مثل گاو پیشانی سفید از چند

حلقه که در تاریخ ۱۷ فوریه وسعا جنگ تجاوزکارانه‌ای را علیه جمهوری سوسیالیست ویتنام آغاز کرده‌اند، این حقیقت آشکار را که به قصد غارت، قتل‌عام و آتش‌افروزی به‌علاقه همسایه خود ویتنام تجاوز کرده‌اند منکر شده‌اند و بدینسان محیط مذاکرات را مسوم کرده‌اند و در راه جریان عادی گفت‌وگوها موانعی پدید آورده‌اند.

مسأله صلح و جنگ

در حالی که امریالیسم آمریکا همواره دست‌اندرکار آن است که قانون‌های جنگ سرد و گرم در تمام اقطار و اکناف جهان ایجاد کند و گسترش دهد اتحاد شوروی همیشه در طریق صحر این قانونی و استقرار و گسترش صلح و سلم در جهان می‌نویسد، روزنامه ترک‌زبان هالکینسی (صدای خلق) چاپ لبرس نوشت که هوایی‌های اکتشافی آمریکا دلم با استفاده از پایگاه نظامی اگروتوری - پایگاه الکلیس (نانو) در قبرس - علیه کشورهای سوسیالیستی فعالیت می‌کنند. روزنامه قبرسی اظهار کرد که این فعالیت‌ها صلح و امنیت ناحیه را به‌خطر می‌انگند. حال آن‌که اکتسی کاسینگین نخست وزیر اتحاد شوروی در اجلاس شورای عالی این کشور اعلام کرد که هدف سیاست خارجی اتحاد شوروی، حفظ و تکمیل صلح جهانی است.

مائوئیست‌های دست اخیر مدام تغییر می‌دهند و از ارائه یک برنامه اصولی و جدی که شرط اول هر مبارزه سیاسی است، شانه‌خالی می‌کنند. شا کدام دسته و گروه ایرانی را که به‌نوعی از آنها با مائوئیسم پیوسته و وابستگی دارد می‌شناسید که تاکنون یک برنامه‌نامه‌چاپیه و یا حتی ناقص سیاسی را ارائه داده باشد که نظرات مشخص آنها را در باره موضوعات مختلف داخلی و خارجی، تحلیل سبیل جامعه و تعیین مرزبندی‌های تحلیلی طبقاتی و شناخت روندها و نیز پیش‌بینی‌ها آنها را برای مبارزه و حل مشکلات اجتماعی، سوق دادن کرده و طبقه پیشین و به‌طور کلی تانکیک و استراتژی آنها را به روشنی بیان کند؟ مائوئیسم جدید در زمین مایک تعریف کلی داده: اتحاد از همه‌چیز، شی همه نیروهای مترقی داخلی و جهانی، اما نام به‌عقل ندانم، از هیچ موضوع مشخص به‌ظاهر و بربره دفاع نکردن، هم از لحاظ سیاسی و هم از جنبه تئوری مدام از این شاخ و برگ شاخ بریدن و کلی‌بانی و کلی‌گویی کردن و از امروز تا فردا تغییر مئی و تغییر عقیده دادن...

از طرف دیگر دولت ویتنام اعلام کرد که در چین با توطئه و پیاده‌نظام به‌لواحق مرزی ویتنام حمله کرده است. روزنامه هان‌دان، ارگان حزب کمونیست ویتنام ضمن اعلام این خبر یادآورده که «دولت‌های تجاوزکارانه چین منجر به موجبات تجدید درگیری‌های ایزرکم اخیر دو کشور را فراهم آورده. رادپوی هائوی نیز اعلام کرد که «حدود پنجاه هزار سرباز چینی در اتحاد مرز چین و ویتنام متحرک شده‌اند و نیروهای چینی حداقل در قسمت مورد به ویتنام حمله کرده‌اند».

این پیشهاد حسن‌نیت از جانب رهبران چین پذیرفته نشد. سیاست ضدحلفی چین در داخل و بالاضحی در خارج، مخصوصا جنگ تجاوزکارانه و نفاذله اخیر چین با ویتنام، احساسات ضد دولتی در مردم چین پدید آورده است. نماینده جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سازمان ملل متحد اعلام کرد که احساسات صلح‌جویانه و ضدجنگ در چین به‌صورت انتشار شتابان و تسب پوسترها از طرف مردم منجلی شده است.



اول ماه مه
راه‌رچه کامل‌تر
تدارک کنیم

شلتاق دوره کردهای مطبوعاتی امپریالیسم در ایران

ولادیمیر لاساریان

دوچرخه دو نفره زنگنه شد شوری با دو راکب باسالی و اوانس و نوواک که مارک آکویهای تبلیغاتی دوستانگانه روی آن‌ها خورده است همچنان در کویرهای شرق کرد و خاک مینگد. همین کرد و خاک روی صفحات روزنامه «دوستانگانه» می‌نشیند و از روی رد این دوچرخه می‌توان خط سیر های واقعی این دوچرخه دوزخه را دنبال کرد. مثلاً یکی از نوشته‌های این دو نفر به نام «دوستانگانه شوری در ایران» اخیراً از تهران مخابره شده است. آن‌ها ابتداءً با آقای صدر حاجسید چوای وزیر کشور ایران نسبت دادند که گویا گفته است که: «اتحاد شوروی واندو می‌بازد که یک دولت دوست باشد. ولی ما خوب می‌دانیم که آن‌ها (ظاهراً روس‌ها - اوانس و نوواک) در سدد کلان‌آلود کردن آب یا کیک خیال خود هستند. و بعد گویا افزود کمسکو بنظر او برمی‌آید که اختلافات دیرین اقلیت‌های ترکمن و بلوچ و کرد و عرب ایرانی را به پهنه خود مسوره سوو اشتباه قرار دهد.

اما قبل از این که نوشته‌های این «دوستانگانه» را باور کنیم باید در انتظار تأیید رسمی این گفته‌ها باشیم. درحالی که همین اظهارنظرها با نظر سایر اعضای کابینه ایران درباره روابط شوروی و ایران مغایرت تام دارد. مثلاً آقای ع. امیرانتظام معاون نخست‌وزیر از جلسه گفته است که ملت‌ها و دولت‌های ما نسبت به هم چنین احساسات احترام‌تقابل مینمایند. بر همین منوالی در ایران و اکنون که در ایران رژیم جدید انقلابی برقرار شده است روابط دو جانبه باید برابری بهتر از دوره‌ای شود که در زمان پهلوی شاه وجود داشت.

همین دو نفر در جستجوی خیرهای جنجالی، با آقای دکتر زیدی مشاور نخست‌وزیر ایران ملاقات کردند. البته آماج هیچ اظهار بی‌بندشان نرسید. با این حال بسبب خاص خودشان نوشتند: «با ابراهیم زیدی بهما گفت که نمی‌تواند به‌طور قاطع مدعی شود که اتحاد شوروی به‌یقین‌ها در لواحی... کره‌ترین غریب‌دامن می‌زند.

آنگاه «دوستانگانه» به گفته‌های مقامات رسمی بهمانی می‌رسد و «دوستانگانه» اظهار نظرهای شخصی خود را مستند به گفته‌های دیگر قابل رد می‌نماید که به نظر آن‌ها کاملاً «موتی» هستند. و حالانکه می‌گوید: «ای از این منابع «موتی»؟»

چوای که در آمریکا تحصیل کرده گفته است: «ما از این پیرمردانی که وارد دولت می‌شوند کلافه شده‌ایم. این اظهار نظر خواست تحولات بزرگ و سریع را متعین می‌بازد...»

توجه داشته باشید که در این مورد سبک آمریکایی جسع‌آوری نشاید. حقیقتاً به‌طور کامل پنجم می‌خورد. اوانس و نوواک با ادامه دادن سفر دورهای خود به آن طرف دیوار سفارت شوروی هم که به گفته آن‌ها یک ناحیه کامل را در تهران اشغال کرده است، نظر انگیزنده. این دو آمریکایی زیر و زبک به این نتیجه رسیدند که در محوطه سفارت شوروی «دوستانگانه» یک‌بنای عظیم برای جا دادن تعداد بیشتری از «دیپلمات‌های شوروی و حال تجارتی و سایر اشخاص می‌نماید و به‌طور تشکیف و تجزیه باز هم بیشتر نیروهای انقلابی در شرق آرماف است». در این مورد هم نمی‌توان سکوت را از نظر ندانستن دور

برسگویی ماهومه

می‌آید

از فراز خیز ابله‌های خون
- بی‌تقوایی باد و میان جان -
از درون گردباد جنگ و جنون.

می‌آید

پیمان کرده

پیوند زده

بیکار کرده و پیروزی آورده
که خود

بیک و پیامید

شایسته نامید.

می‌گذرد

بر فری از لاله

از دل دالان آفرین و هلهه

برمی‌آید و

می‌آید

برسگویی افتخار اول ماه مه.

تا شاهان

از پیشگاهشان

بگذرند و سرماهداران.

ای خواران گران

ای کارگران که دست شما راست

تردستی آفریندگی:

تراش آهن و سنگ

ساز سف و سون

یرش پیمانگ براندام زندگی

و ره‌آیند حیات از برهنگی.

نیاتان نعلیند بود

شما چلنگر.

فرزندانان شوخ خواهند ساخت

آی چه والا که شما بید:

اسی ره‌وار گردن

قطنی گشودن

و آسمان‌ها را بوبیند

این پس

که بازوان بگشایید و

جغرافیای جهان

در آغوشتان باشد

می‌شناختم

شمایان را بپویی شمایان

و نه بپویی شبنم عرق

که بر مرغ انامتان می‌نشت

نه بپویی روغن چرخ و دستگاه

و نه حتی بپویی نفت

که پیشاپیش شما می‌خوید

می‌شناختم

به عطر کار

که از هزار آرزوی می‌تراوید

و اینک می‌بینم‌تان

نه در سایه پرچم‌های سرخ‌تان

نه در صف بی‌بیایاتان

که در گریز دشمن و هراس آن

چشمان

که ارزیابی‌تان می‌کنند

با دقت دلالگان

و می‌اندیشم که چه خواهد شد اگر

متصد شویم!

اگر متصد شویم

کارگران ایران!

فرهاد ره‌آور
اردیبهشت ۱۳۵۸



یادی از شهدا

در سینه‌دم دوم اردیبهشت سال ۳۷ رژیم سفاک کودتا برای متحکم پایه‌های لرزان حکومت ضد خلقی خود، به‌جانبیت تازه‌ای دست زد و دوتن دیگر از رزمندگان راستین راه آزادی و سعادت توده‌های رنج‌دیده جامعه ما، دو تن از رزمندگان حزب پر افتخار رنجبران، حزب توده ایران را به‌جبهه تیرباران سپرد.

رفیق هوشنگ پوررضوانی، و رفیق آرسن آوانسیان

رژیم کودتا، رژیم ضد خلقی که برای به‌گور ساری قطعی آن، میلیون‌ها نفر جان برکف، ایران را در نورددیند و آن را با مشت میلیونی خود درهم گویندند، در آن سال‌های سیاه زجر و شکنجه ابقای حکومت کثیف و خون‌آلود خود را در نابودسازی بزرگ‌ترین دشمن خود، حزب راستین طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران و جانبازان بی‌شمار صفوف آن می‌دانست. و در جبهه شریف و نجیب آرسن‌ها و پوررضوانی‌ها، خشم طوفانی توده‌های میلیونی را که چون آتش‌نشانی بیکر متعفن و منجوس او را در شله‌های ضدب خود می‌سوزانند، مشاهده می‌کرد. و به‌راستی نیز کینه و نفرت او از این مبارزان توده‌ای، که زوال و نابودی حتی کاخ خون‌آلود ویرا یادآوری می‌کردند، بر دلیل نبود. او در جبهه آیتان، در سیما خلتی پر شور و خروش آیتان، نفرت توده‌ها را متعین می‌دید. در شکنجه آیتان، از توده‌ها که به‌با خاسته بودند انتقام می‌گرفت و قصد داشت با نابود کردن آیتان عدالت و آزادی‌خواهی را نابود کند. ولی رزمندگان توده‌ای نابودی‌ناپذیرند، بهمان‌گونه که توده‌های رنجبر نابودی‌ناپذیرند؛ و بهمان‌گونه که کلام سترگ آزادی و شعله‌جاودان آزادی‌خواهی محو ناشدنی است.

آرسن‌ها و پوررضوانی‌ها در قلب و مغز توده‌ها جاودان ماندند. هزاران توده‌ای را از سنت‌های گران‌بها و جساودان رزمندگی و جانبازی الهام بخشیدند و با مشت آهنین توده‌ها کاخ استبداد را ویران ساختند. حزب توده‌ها با خون این رزمندگان به‌شباب رسید، با توده‌ها پیش از پیش در آمیخت و در طول ۳۷ سال مبارزه خویش همواره بزرگ‌ترین دشمن امپریالیسم و وابستگان داخلی آن باقی ماند.

- درون بر روان پاک و خاطرۀ تابناک هم‌مبارزان راه آزادی -
- درود بر این فرزندان وفادار حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران.

مژده گل

باغبان مژده گل می‌شوم از چمن
فاصلی کو که سلامی برساند ز منت

وقت آنست که با نغمه مرغان سحر
بر و بالی بگشایی به‌هوای وطن

خون دل خوردن و دلتنگ نشستن تا چند؟
دیگر ای غنچه برون آرزو از پیرهن

بوی پیراهن یوسف زریبا می‌شوم
مژده آیدل که گلستان شده بیت‌الجهنم

آبت از چمنه دل دادم ای باغ امید
تا بهصد عشو به‌شدن گل و یاسمن

دوستان برسر پیشان درسدند بیا
که لگون باد سر دشمن پیمان شکست

خود به‌زخم تبر خلق درآمد از پای
آن‌که می‌خواست گریز خاک کند ریشه‌گشت

بشو از سبزه که در گوش گل تازه چه گفت:
با بهار آملنی ای به زهار آمدت

سوزلی سروستانی
فروردین ۵۸

یادآوری بسیار لازم

یکی از شیوه‌های ضد انقلاب در شرایط کنونی تقنین بین نیروهای اسبیل ضد امپریالیستی است. درآمدهای از مطبوعات و از طرف برخی مخالف - افراد - امم از این که این مطبوعات واقفا مرفعی هستند یا نیستند و اهم از این که این مخالف و افراد آگاهانه عمل می‌کنند یا غیر آگاهانه، حسن‌نیت دارند یا سوء نیت. مطالب و فتاوی‌های در مورد مسائل سیاسی یا اشخاص می‌خورد که ممکن است مفاتن حرفه‌ای وابسته به ضد انقلاب که سخت گرم کردند آن‌ها را به‌بنوعی به‌حرب توده ایران بی‌جهت‌اند.

بین وسیله به‌همه مردم ایران و سازمان‌های سیاسی صدیق انقلابی و ضد امپریالیستی یادآوری می‌شود که نظر حزب توده ایران را فقط و فقط استاد رسمی رهبری آن و مطالب روزنامه ارگان حزب (مردم) متعین می‌کند.